

سیگار شکلاتی

هما پورا صفهانی

www.ketab.ir





نشر آراسپ: تهران، ستاری جنوب، پیامبر غربی، جهاد اکبر
کوچه انصاری، شماره ۸ - تلفن: ۳۰۹۹۱۳۱ - ۰۹۳۵

سیگار شکلاتی

نویسنده: هما پوراصفهانی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

دفتر: محمد حسین فیروزخانی

نمونه حران: مونیکا سمیع زاده

چاپ: گلرنگ یکتا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۶-۱-۱

قیمت: ۱۰۰ تومان

مرکز پخش: مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات

تلفن: ۷۳۵۱۰۱۶

کلیه حقوق این اثر متعلق به انتشارات آراسپ بوده و هر گونه کپی برداری از اثر، بدون
اخذ مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و موجب پیگرد قانونی خواهد بود.

پوراصفهانی، هما

عنوان و نام پدیدآور: سیگار شکلاتی/ هما پوراصفهانی.

مشخصات نشر: تهران: آراسپ، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۸۰۰ ص: ۱۴×۵/۲۱؛ ۱۳۵/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۶-۲۷-۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ س۹ ۳۷۵/و PIR۸۳۳۶

رده بندی دیویی: ۸۶۲/۳۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۱۰۰۸۷

مقدمه

ضربه‌ای به زیر پاکت رز یک انگ سیگار از جلد زوررقی بالا پرید. آن را با دو انگشت بیرون کشید، گذاشت کنج لبش و با آتشی که سردتر از آتش جهنم زندگیش به نظر می‌رسید روشنش کرد. همزمان پک زد، عمیق، با همه رگ و پی تنش. سر سیگار سرخ و داغ می‌شد و قلب او آبی و خنک. طعم گش اول حنجره‌اش را خراش داد و بعد از آن قلبش را در هم فشرد. اما چه بود آن لذتی که باعث می‌شد پک دوم را محکم تر بزند و خط اخمی بین پلک هایش بنشانند؟ بوی شکلات داغ اطرافش را بر دریا همان بویی که سالهای زیادی بود که اتاقش را عطر آگین کرده بود. همان بویی که سالها اشانتیون عطرهايش شده بود. باز هم پکی دیگر و باز اسیر لذت تنگسینکارش شد. در این لذت کسی را سهم نمی‌کرد. تنها لذتی بود که در این دنیا نصیبش شده بود. پک بعدی را لطیف تر زد و باز هم توی ذهنش، نه در واقعیت، فریاد زد. فریادهایی که سالها کنج گلویش کاشته و نمی‌گذاشت حتی یک جمله‌اش از حبس ابد گلویش رها شود:

- آهای شما! شما که نمی‌دانید من کیستم، چیستم، در ذهنم، در دلم چه

می‌گذرد چرا ادعایتان می‌شود؟! فکر می‌کنید هر چه زندگی را تلخ تر کنید بر من سخت تر می‌گذرد؟ سخت در اشتباهید. زندگی من تلخ است اما به تلخی یک پک سیگار! تلخ و پر از لذت که حاضر نیستم در آن سهمتان کنم. این تلخی و آن لذت همه متعلق به من است. تا آخرین لحظه زندگی.

اوست شاه جوانمردی که هرگز و هرگز با ناجوانمردی کسی را روی کرسی قضاوت نمی‌نشانند، اما سالهاست خودش را روی کرسی نشانده اند و دم به دم حکم اعدامش را می‌دهند. طناب به دور گلویش حلقه می‌کنند، جانش را از حنجره‌اش بیرون می‌کشند و لحظه آخر دستور ایست می‌دهند! عفو می‌کنند. اما باز فردا روز از نو روزی از نو. زندگی حکمش را بریده. پیش از هر کس یکر، حکم داده به زجر کشیدنش و تنهایی اش! حکمی که از هزار بار مردن برایش بدتر است.

سیگار شکلاتی، روایت گر یک مرد است! یک مرد خسته و تنها، بریده از همه و چنگ از آن‌ها به او برای نجات از هر سقوطی. نه فقط نجات خودش که نجات تمام کسانی که بر سر در حال سقوط اند. می‌خواهد ریسمانی باشد برای بالا کشیدن هر کس که در قعر چاه تنهایی و ضلالت فرو می‌رود. حتی اگر باعث بشود خودش سقوط کند! ردهای سیگار شکلاتی، یک کار را به خوبی یاد گرفته، خندیدن! در اوج غم هایش، با اوج غصه هایش، به روی همه بد بیاری هایش فقط می‌خندد. از وقتی خودش را پیدا کرد، طرد شده بود و همه از او بریده بودند. پس پا در راهی گرفت که ممکن بود تهنش به مردابی برسد که نفسش را بگیرد. ولی برایش مهم نبود. مهم نجات کسانی بود که مثل او طعمه بودند. مرد تنهای ما بازنده نیست، یک گنج است می‌جنگد برای هدفی که شاید انتهایش رگ زندگی خودش قطع شود.

با صدای بی صدا، مٹ به کوه بلند، مٹ به خواب کوتاه.

یه مرد بود یه مرد ...

سیگار شکلاتی روایت گر داستان یک دختر است! دختری که مثل خیلی از دخترهای این مرز و بوم لای پر قو بزرگ شده، تنها با یک تفاوت! یاد گرفته محکم بایستد! یاد گرفته برای داشته هایش دژ مستحکم بسازد، اما همه این دانسته‌ها را به قیمت گزافی به دست آورده. وقتی به خودش می‌آید وسط یک میدان پر از گرگ‌های گرسنه ایستاده و وقت رو کردن تمام داشته هایش است. باید نشان بدهد چه چیزی در چنجه دارد. برای شروع، اول از همه، تمام زنانگی اش را به باد می‌دهد. تصمیم می‌گیرد مرد باشد! دختر قصه ما تصمیم

می‌گیرد یک تنه بجنگد و انتقام از دست دادن تمام داشته هایش را بگیرد.
دختری که در اوج تنهایی امیدش را از دست نمی‌دهد و به خودش باور دارد!
دختری که برای محبت کردن و از جنس آرامش آفریده شده تمام ظرافتش را
در هم می‌شکند و با شکسته‌های وجودش سلاحی می‌سازد و به جنگی می‌رود
که برای شانه‌های نحیفش بیش از اندازه بزرگ است ...

دلم با خنده تو گرم می‌شه، تو روزایی که دنیا سرد باشه

تو رو حس می‌کنم می‌فهمم اینو ...

یه زن می‌تونه گاهی مرد باشه!

www.ketab.ir